

## اخلاص و ایمان ابو طالب

طرز تفکر و عقیده هر شخصی را از سه راه زیر می توان بدست آورد :

۱- بررسی آثار علمی و ادبی که زائیده فکر و روح او است.

۲- طرز رفتار و کردار او در میان جامعه .

۳- عقیده دوستان نزدیکان بیغرض او در حق وی.

ما میتوانیم عقیده و ایمان ابوطالب را از سه راه فوق اثبات کنیم؛ اشمار و سروده های وی کاملاً گواهی بر ایمان و اخلاص او میدهد ؛ خدمات ذیقیمت او در ده سال آخر عمر خود ؛ گواه محکمی است بر ایمان فوق العاده او ؛ عقیده نزدیکان بیغرض وی نیز در اینجا با ایمان و اسلام او کاملاً وفق میدهد؛ و هرگز کسی از دوستان و اقوام او در حق وی جز تصدیق اخلاص و ایمان او چیز دیگری نگفته است ؛ اینک موضوع را از سه طریق فوق مورد بررسی کامل قرار می دهیم :

### ذخائر علمی و ادبی ابوطالب

ما از میان قصائد طولانی وی قطعاتی چند انتخاب نموده و برای روشن کردن مطلب ترجمه

آنها را نیز مینگاریم :

وزیر لموسی و المسیح بن مریم

۱- لیعلم خیار الناس ان محمداً

فکل بامر الله یهدی و یعصم

انا یهدی مثل ما اتیابه

ترجمه : اشخاص شریف و فهمیده بدانند که، محمد بسان موسی و مسیح پیامبر است؛ همان نور آسمانی را که آن دو نور در اختیار داشتند ، او نیز دارد؛ و تمام پیامبران پسرمان خداوند مردم را راهنمایی و از گناه باز میدارند (مستدرک حاکم ص ۶۲۳ ج ۲)

امانیکم هدی کا حلام نائم

تمنیتم ان تفتلوه و انما

ومن قال: لا یقرع بها سن نادم

نبی اتاه الوحی من عند ربه

: سران قریش! تصور کرده اید که می توانید بر او دست بیابید: در صورتیکه: آرزوی در سر

مپیرو رانید؛ که کمتر از خوابهای آشفته نیست، او پیامبر است، وحی از ناحیه خدا بر او نازل

من کرد و کتبی که برگزیده اند، انگشت پشیمانی برندان خواهد گرفت (دیوان ابوطالب ص ۲۲)

بسی لاکه یوسی خط فی اول الکتاب

و ان علیه فی العباد محبة

و لاحیف فیمن خصه الله بالحب

قریش آبا می دانید که ما او (محمد) را مانند موسی پیمبر میدانیم و نام و نشان او در کتابهای آسمانی قید گردیده است، و بندگان خدامحبت، خصوصی بوی دارند؛ و نباید در باره کسی که خدا محبت او را در دلها بودیعت گذارده تاسف خورد. بسیره ابن هشام ج ۱ ص ۳۷۳ و مدارک دیگر بازگشت شود.

حتى اوسد فی التراب دفینا

و الله ان یصلوا الیک بجمعهم

و ابشر بذاک و قر منک عیونا

فاصدع بامرک ما علیک عضاضة

و لقد دعوت و کنت ثم امینا

و دعوتنی و علمت انک ناصحی

من خیر ادیان البریة دینا

و دعوتنی از دین به خدا (ص)

ای برادرزادام، هرگز قریش بقودست نخواهند یافت و تا آن روزیکه تجد بستر کنم، و در میان تک نشسته شوم دست از یاری تو بر نخواهم داشت. یا نبی ساموری آشکار کن؛ و هیچ ترس از پشاندن تو، و پشامانی را روشن ساز. پس با این خود بخواندی و میدانم تو پندیده من هستی. از روزی که تو را این دعا را گفتیم، سزاگوشی و سجدت از بهترین آیتها است (تاریخ ابن کثیر ج ۱ ص ۴۲)

على ابن کميلى او كذبت الاذنون

يا ايها القوم يا ايها القوم

یا اینکه ایمان بقرآن سراپا عجب و شگفتی بیاورید که بر پیامبری مانند موسی و یونس نازل گردیده است (ابن ابی الحدید ج ۳؛ ص ۳۱۳)

هریک از این قطعات؛ قسمت کوچکی از قصائد متصل و سراپا ادب و نغز ابو طالب است که ما بنوان گواه؛ برجسته های آنها را، که سریعاً ایمان او را بکیش برادرزاده اش میرساند انتخاب نمودیم.

و از قصیده لامیه ابوطالب که معروف اهل تاریخ و ادب است؛ و تنها ابن هشام در ج ۲ ص ۲۸۶ - نود و چهار بیت از آن نقل نموده است فقط یک بیت نقل نموده و ترجمه برخی را که بعضی از دانشمندان بصورت شعر در آورده اند در اینجا میگذاریم:

وقد قطعوا كل العرى والوسائل

ولما رأيت القوم لا ود فهم

گسستند آنهمه قرب و وسائل

چو دیدم نیست مهری در قبائل

بپنیرک و قسون خصم مائل

برون افکنده اند از پرده آزار

بداندیشان مارا جمله هممهده	که در پنهان گزند از خشم؛ انامل
بصبر اندر مرادل بود خرسند	بکوته نیزه و شمشیر هائل
فراخواندم بکعبه رهط یاران	تمسک جسته بر ثوب و وسائل
ستاده رو بدان درگاه کردیم	که در سوگند آید مرد نائل

**خلاصه سخن :** هر يك از این اشعار در اثبات ایمان و اخلاص گوینده آنها کافی است و اگر گوینده این ابیات یکفرد خارج از حیطه اغراض و تعصبات بود ؛ همگی بالاتفاق بایمان و اسلام سراینده آن حکم مینمودیم ، ولی از آنجا که سازنده آنها «ابوطالب» است ، دستگاههای تبلیغاتی سازمانهای سیاسی اموی و عباسی همواره در کوبیدن آل ابیطالب بکار میرفته از این نظر گروهی نخواستند يك چنین فضیلت و مزیتی را برای ابوطالب اثبات کنند ؛ وانگهی وی پدر علی است و همیشه چرخهای سیاست پس از مرگ پیامبر علیه او گردش میکرد ، و اسلام و ایمان پدروی فضیلت بارزی نسبت باو حساب میشد و کفر و شرک پدران خلفاء دیگر ، منتضی بنظر میرسید برای اینکه تمام خلفا در يك صف قرار گیرند و هیچکدام را بردگیری زینی نباشد ، - علیرغم تمام این سروده ها و گفتارها و کردارهای صادقانه ، گروهی بتکفیر وی بر خواسته حتی بدان اکتفاء کرده ادعاء نزول آیتی را در حق او زوده اند .

### راه دوم برای اثبات ایمان او

راه دوم طرز رفتار او است با پیامبر اکرم ، نحوه فداکاری و دفاع او است از ساحت اقدس رسول خدا ، که هر کدام از آن خدمات میتواند ، آئینه فکر و روحیات او باشد ، و مادر شماره های پیش قسمتی از خدمات «ابوطالب» را نگاشتیم ، اینک اینجا بطور اجمال اشاره میکنیم :

- ۱- ابوطالب شخصیتی است که ، راضی نشد برادرزاده اش دلشکسته شود ، و علیرغم تمام موانع و نبود امکانات زحمت مسافرت او را بشام همراه خود ، پذیرفت .
- ۲- پایه اعتقاد او به فرزند برادر تا آن پایه است که او را همراه خود به مصلی برده و خدا را بمقام او قسم داد و باران رحمت طلبید .

- ۳- وی در راه حفظ رسول خدا ، از پای ننشست ، و سه سال در بدری ، زندگی در شکاف کوه و اعماق دره را برپاست و سیادت مکه ، ترجیح داد . تا آنجا که در بدری سه ساله او را فرسوده ساخت و مزاج خود را از دست داد ؛ و چند صباحی از مراجعت آنها از شمش نگذشته بود که بدر و زندگی گفت .

ایمان او به رسول خدا بقدری قرص و محکم بود ، که راضی بود تمام فرزندان گرامیش کشته شوند ولی او زنده بماند ؛ علی را در رخت خوابی میخوابانید تا اگر سوه قصدی در کار باشد بوی

اسابت نکند، بالاتر از آن روزی حاضر شد: تمام سران قریش بعنوان انتقام کشته شوند؛ و طبعاً تمام قبیلہ بنی ہاشم نیز کشته می‌شدند.

۹۰

### وصیت ابوطالب هنگام مرگ

وی هنگام مرگ خود، بفرزندانش چنین گفت: من و محمد، را بشما توصیه می‌کنم، زیرا او امین قریش و راستگوی عرب، و حائز تمام کمالات است، آیتی آورده که دلها بدان ایمان آورده؛ اما زبانها از ترس شامت با نکار آن برخاسته است من دادم می بینم که افتادگان و ضعیفان عرب؛ بحمايت او برخواسته؛ و باو ایمان آورده اند. بدستیاری آنها؛ بدرهم شکستن صفوف قریش قیام نموده است، سران قریش را خار، و خانقهای آنان را ویران؛ و بی پناهان آنها را قوی و نیرومند و مصدر کار نموده است سپس گفتار خود را با جمله های زیر پایان داد: **کونوا له ولاة و لجز به حماة؛ و الله لا یسلک احد سبیلہ الا رشد ولا یأخذ احد یهداه الا سعده؛ و لو کان لنفسی مدة و فی اجلی تاخیر لکففت عنه الھز و لدافعت عنه الدواعی**: ای خویشاوندان من، از دوستان و حامیان حزب او (اسلام) گردید هر کسی پیروی او را نماید؛ سعادت تمند میگردد، هر گاه اجل مرا مهلت میداد، من از او حوادث و مکاره روزگار دفع مینمودم (سیره حلبیج ۱: ص ۳۷۵ و ۰۰)

ماشک نداریم که وی در این آرز و راستگو بوده، زیرا خدمات و جانشانیهای خصوص دهساله او گواہ صدق گفتار او است، چنانکه گواہ صدق و عده ایست که وی در آغاز بیعت بفرزند برادر داد؛ روزیکه محمد (ص) تمام اعمام و خویشاوندان خود را دور خود جمع کرد، و آیت اسلام را بآنها معروض داشت ابوطالب باو گفت: **اخرج ابن ابی فانک الرقیع کما یاء و المنیع حز باو الاعلی ابوا لله لا یسلک لسان الاسلقة السن حداد؛ و اجتذبه سیوف حداد؛ و الله لتذلن لك العرب ذل الیهم لحاضنها**: برادر زاده ام قیام کن؛ تو و الامقایی؛ حزب تو از گرامترین حزبهاست، تو فرزند مرد بزرگی هستی، هر گاه زبانی تو را آزار دهد؛ زبانهای تیزی بدفاع تو بر میخیزد، شمشیرهای برنده ای آنها را می ربا بد بخدا سوگند اعراب؛ مانند خضوع بچه حیوانی نسبت بمادرش، در پیشگاه تو خاضع خواهند شد.

### آخرین راه

خوبست ایمان و اخلاص ابوطالب را از نزدیکان بیشتر او بپرسم زیرا: **اهل البیت ادری بما فی البیت**: اهل خانه بهتر میدانند که در خانه چیست، ما در اینجا روایات شیعه را کنار گذارده فقط بمضمون روایات سنن بیان که در این باره از پیامبر اکرم نقل کرده اند می پردازیم

- ۱- هنگامیکه خیر مرگ ابوطالب را علی به پیامبر داد ، وی سخت گریست ، و بعلی دستور نسل و کفن و دفن صادر نمود، و از خدا برای او طلب مغفرت نمود؛ (طبقات ابن سعد: ۱۰۵)
- ۲- در محضر امام چهارم سخن از ایمان ابوطالب بمیان آمد وی فرمود: در شکتم که چرا مردم در اخلاص او تردید دارند در صورتیکه ، هیچ زن مسلمانی نیایست بعد از اسلام آوردن در حباله شوهر کافر خود بماند؛ و فاطمه بنت اسد؛ از سابقات در اسلام است و از آن زنانی است که خیلی جلوتر به پیامبر ایمان آورد و همین زن مسلمان در نکاح ابوطالب بود که وی رخ در تقاب خاک کشید.
- ۳- امام باقر میفرماید: ایمان ابوطالب ، برایمان بسیاری از مردم تر جمیع دارد و امیر مؤمنان دستور میداد از طرف وی حجی بجا آورند.
- ۴- امام صادق فرموده است: حضرت ابوطالب بسان اصحاب کهف است؛ **اسر و الایمان و اظهر و الشکر فاتاهم الله اجرهم مرتین** - اصول کافی ص ۲۴۴ - در دل ایمان داشتند ؛ و تظاهر بشرک مینمودند؛ از این جهت دو بار مأجور خواهند بود .

### نظر دانشمندان شیعه

علماء امامیه به پیروی از اهل بیت؛ جملگی اتفاق دارند که ابوطالب یکی از افراد برجسته اسلام بوده و روزیکه جان از لبانش خارج گردید، دلی مالا مال از ایمان و اخلاص با اسلام و مسلمین داشت .

## ای نفس برشته قناعت شو

امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: **والقناعت کف لاینفد یعنی قناعت کنجیست**

تمام نشدنی ،

نیز فرمودند **کفی بالقناعت ملکاً و بحسن الخلق انیما یعنی چه**  
**تروتی از قناعت بهتر و چه نعمتی از حسن خلق نیکوتر است (نهج البلاغه)**

امام صادق (ع) فرمودند: **من قنع بما رزقه الله فهو من اغنی الناس؛ یعنی**  
**کسی که با آنچه خداوند مقدر فرموده قانع و دلخوش باشد از توانگر ترین مردم است**  
**(اصول کافی)**

تا یکشبه بروثاق تو نمانست  
 کانجامه خیر نیک ارزانست  
 کاین منت خلق گاهش جانست  
 در ناستدن هزار چندانست

آلوده منت کسان کم شو  
 ای نفس برشته قناعت شو  
 تا بتوانی حذر کن از منت  
 چند آنکه مروست در دادن

(انوری)